



**جریان‌شناسی اقتصادی ایران
بعد از انقلاب اسلامی
(اقتصاد ایران و نظریه اقتصاد اسلامی)**

نویسندگان:

مرتضی نبوی

دکتر وحید شقاقی شهری

(عضو هیات علمی دانشگاه خوارزمی)

دکتر داود دانش جعفری

(عضو هیات علمی دانشگاه علامه طباطبائی)

سرشناسه	: نبوی، مرتضی، ۱۳۲۶.
عنوان و پدیدآور	: جریان شناسی اقتصادی ایران بعد از انقلاب اسلامی (اقتصاد ایران و نظریه اقتصاد اسلامی) / نویسندگان: مرتضی نبوی؛ دکتر وحید شقاقی شهری و دکتر داود دانش جعفری.
مشخصات نشر	: نور علم.
مشخصات ظاهری	: ۲۳۹ ص. جدول، نمودار، مصور.
شابک	: ۹۷۸-۶۰۰-۱۶۹-۲۲۱-۵
وضعیت فهرست نویسی	: براساس اطلاعات فیبا (فهرست نویسی پیش از انتشار).
یادداشت	: نبوی، مرتضی، ۱۳۲۶، نویسنده.
یادداشت	: شقاقی شهری، وحید، ۱۳۵۸، نویسنده.
یادداشت	: دانش جعفری، داود، ۱۳۳۳، نویسنده.
موضوع	: ایران -- اوضاع اقتصادی -- ۱۳۵۷-۱۳۹۳
موضوع	: ایران -- سیاست و حکومت.
موضوع	: ایران -- سیاست اقتصادی.
موضوع	: ایران -- اقتصاد اسلامی.
رده بندی کنفره	: ۱۳۹۱ ج ۴ / ۲۴ / ۴۷۵ HC
رده بندی دیویی	: ۳۰ / ۹۵۵

نشر نور علم: تهران - خ انبیا - خ ۱۰، مر ردین - پلاک ۲۵۹ - ط ۴ - واحد ۸ تلفن: ۶۶۴۰۵۸۹۴ و ۶۶۴۰۵۸۸۰
 noreelm@yahoo.com ۰۹۰۲۳۱۰۳۲۹ ف. وشگاه در تهران: دانشکده اقتصاد دانشگاه تهران

جریان شناسی اقتصادی ایران بعد از انقلاب اسلامی (اقتصاد ایران و نظریه اقتصاد اسلامی) نویسندگان: مرتضی نبوی؛ دکتر وحید شقاقی شهری؛ داود دانش جعفری

ناشر: نور علم

شمارگان: ۱۰۰۰ جلد

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۱۶۹-۲۲۱-۵

نوبت چاپ: اول ۱۳۹۵

چاپ و صحافی: الغدير

قیمت: ۱۵۰۰۰ تومان

موبایل کار: در صورت عدم دسترسی به کتابهای این انتشارات، از طریق تماس با شماره زیر
 ۰۹۱۲۳۳۳۴۲۲۹ کتابها با پست به تمام نقاط ایران ارسال می شود.

پیشگفتار.....	۱
مقدمه.....	۳
فصل اول: مروری بر مکاتب و نظام‌های اقتصادی و دسته‌بندی‌های رایج.....	۷
۱-۱- مقدمه.....	۷
۱-۲- تاریخچه شکل‌گیری اقتصاد سیاسی.....	۸
۱-۳- ظهور بورژوازی و آغاز تکوین دولت مدرن.....	۲۲
۱-۴- مکتب فیزیوکرات‌ها.....	۲۴
۱-۵- مکتب سوداگری یا مرکانتلیسم.....	۲۸
۱-۶- سه رهیافت اصلی در اقتصاد متعارف.....	۳۰
۱-۶-۱- مکتب اقتصاد کلاسیک (لیبرالیسم).....	۳۰
۱-۶-۲- مکتب اقتصاد مارکسیستی یا رادیکال.....	۵۲
۱-۶-۳- ناسیونالیسم اقتصادی.....	۶۱
فصل دوم: شاخصه‌ها و معیارهای بارز تفکیک و دسته‌بندی نظام‌های اقتصادی.....	۶۹
۲-۱- مقدمه.....	۶۹
۲-۲- دولت، علت شکل‌گیری و تقسیم‌بندی در مکاتب اقتصاد.....	۷۱
۲-۳- شاخصه‌های مکتب اقتصادی کلاسیک.....	۷۶
۲-۳-۱- نقش واقعی دولت کلاسیک.....	۷۶
۲-۳-۲- خصوصی‌سازی.....	۸۰
۲-۳-۳- سیاست‌های تعدیل اقتصادی.....	۸۷
۲-۳-۴- آزادی اقتصادی.....	۹۱
۲-۳-۵- نابرابری و واکنش به فقر.....	۹۸

- ۶-۳-۲- تورم، بیکاری و نقش سیاست‌های تثبیت..... ۱۰۱
- ۷-۳-۲- بازار کار و نقش اتحادیه‌ها..... ۱۰۳
- ۴-۲- شاخصه‌های مکتب اقتصاد مارکسیستی یا رادیکال..... ۱۰۴
- ۱-۴-۲- نابرابری و واکنش به فقر..... ۱۰۴
- ۲-۴-۲- ناپایداری اقتصاد و سیاست تثبیت..... ۱۰۵
- ۳-۴-۲- بازار کار و نقش اتحادیه‌ها..... ۱۰۷
- ۴-۴-۲- برنامه‌ریزی متمرکز و دولت رادیکال..... ۱۰۸

- فصل سوم: ادوار مضمینه، مولفه‌ها و شاخصه‌های اصلی و بارز اقتصاد اسلامی..... ۱۱۵
- ۱-۳- مقدمه..... ۱۱۵
- ۲-۳- چارچوب مفهومی اصول موضوعه اقتصاد اسلامی..... ۱۱۶
- ۳-۳- شاخصه‌ها، خصوصیات و ویژگی‌های اصلی اقتصاد در اسلام..... ۱۱۹
- ۱-۳-۳- سیستمی بودن اقتصاد در اسلام..... ۱۱۹
- ۲-۳-۳- اخلاق محوری و کارآمدی..... ۱۲۰
- ۳-۳-۳- اهداف و نهادهای معین..... ۱۲۳
- ۴-۳-۳- تعامل با دیگر پارادایم‌های اقتصاد متعالی و نقش اجتهاد..... ۱۲۶
- ۵-۳-۳- نظارت‌های درونی و برونی و ساماندهی اقتصادی..... ۱۲۷
- ۴-۳- اقتصاد اسلامی و قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران..... ۱۲۹
- ۱-۴-۳- بسط و گسترش عدالت اجتماعی در جامعه..... ۱۳۰
- ۲-۴-۳- تعاون و حداکثرسازی مشارکت آحاد جامعه در فعالیت‌های اقتصادی..... ۱۳۳
- ۳-۴-۳- منع درآمدهای غیر مشروع و حرام و بازگشت آن به ذی‌حقان..... ۱۳۴
- ۴-۴-۳- جلوگیری از ایجاد و گسترش نابرابری و عدم تعادل..... ۱۳۵
- ۵-۴-۳- نقش و حیطه دخالت دولت در اقتصاد..... ۱۳۷

فصل چهارم: جریان‌شناسی اقتصادی در دولت‌های بعد از انقلاب اسلامی..... ۱۴۳

۴-۱- مقدمه..... ۱۴۳

۴-۲- نگرش و عملکرد دولت‌های بعد از انقلاب اسلامی نسبت به خصوصی‌سازی..... ۱۴۷

۴-۳- سیاست‌های تثبیت و تعدیل اقتصادی در دولت‌های بعد از انقلاب اسلامی..... ۱۵۶

۴-۴- تحولات ارزی در دولت‌های بعد از انقلاب اسلامی..... ۱۶۷

۴-۵- وضعیت توزیع درآمد در دولت‌های بعد از انقلاب اسلامی..... ۱۷۳

۴-۶- دخالت و انداز در دولت‌های بعد از انقلاب اسلامی..... ۱۸۱

۴-۷- تسکین سرمایه ثابت ناخالص داخلی در دولت‌های بعد از انقلاب اسلامی..... ۱۸۶

۴-۸- سیاست‌های تجارت خارجی در دولت‌های بعد از انقلاب اسلامی..... ۱۹۰

۴-۹- وضعیت بازار کار و اشتغال در دولت‌های بعد از انقلاب اسلامی..... ۲۰۰

۴-۱۰- وضعیت رشد اقتصادی و تولید ناخالص داخلی در دولت‌های بعد از انقلاب اسلامی..... ۲۰۹

۴-۱۱- وضعیت علمی و آموزشی در دولت‌های بعد از انقلاب اسلامی..... ۲۱۸

جمع‌بندی..... ۲۲۸

منابع و مآخذ..... ۲۳۶

پیشگفتار

یکی از مهمترین و اساسی‌ترین سئوالات پیش‌روی صاحب‌نظران و سیاست‌گذاران هر کشور انتخاب مکتب اقتصادی و پایبندی به اصول و بنیان‌های آن است. این مساله آنچنان مهم بوده که جهان شاهد جدال بزرگ نظام دوقطبی مبتنی بر دو تفکر و مکتب اقتصادی لیبرالیسم و سوسیالیسم بوده و این دو مکتب بویژه در قرن بیستم، جهان را به دو بخش کلی تقسیم نمودند. نبرد در جدال مکاتب به شکست ایدئولوژی سوسیالیسم انجامید و ظهور فرمانروایی مکتب لیبرالیسم در دهه ۹۰ میلادی به اوج خود رسید. بطوریکه فرانسیس فوکویاما در کتاب پایان تاریخ و آخرین انسان در سال ۱۹۹۲ به صراحت به این موضوع می‌پردازد و معتقد است جهان دیگر باید از آموزه‌های مکتب لیبرالیسم تبعیت کند و لیبرال دموکراسی تنها نسخه سعادت بشر است.

با این حال چندی از این موضوع بحث‌ناشته که زمره‌های گذر از لیبرالیسم یا ضرورت اصلاحات بنیادین در این مکتب بویژه در ابعاد اقتصادی این رهیافت به گوش می‌رسد. ناکارآمدی درونی این مکتب آنچنان پیش می‌رود که برخی از برجسته‌ترین صاحب‌نظران اقتصادی در دنیای غرب همچون استیگلیتز، رابرت رایش، بستی و دیگران به نقد جدی این مکتب از ابعاد اقتصادی می‌پردازند. صاحب‌نظران دیگر حوزه‌های سیاسی به همین ترتیب به نقد این مکتب پرداخته‌اند و روز به روز بر انتقادات این مکتب افزوده می‌گردد. شاید گرایش غالب به رهیافت سیاسی سوسیال دموکراسی در برابر لیبرال دموکراسی گوشه‌ای از این مکررگونی باشد. با این حال در کنار جدال و نبرد ایدئولوژی‌های دنیای غرب در قرن بیستم، مسلمانان معتقدند نسخه سعادت و اعتلای بشر نه رهیافت‌های اعلام شده تمدن غرب، بلکه در جهان اسلام یافت می‌گردد و اسلام مبتنی بر کتاب خداوند، آموزه‌های دینی، احادیث و روایات و سنت می‌تواند جایگزین ایدئولوژی‌ها و مکاتب جهان غرب باشد. شاید اصلی‌ترین ستیز و پیکار دنیای غرب با مسلمانان نیز در این واقعیت نهفته باشد. لذا صاحب‌نظران برجسته مسلمان معتقدند اسلام می‌تواند مکتب پیشرفت و اعتلای بشر باشد و در حوزه اقتصادی نیز پایبندی به اصول و آموزه‌های اقتصاد اسلامی تنها راه گذر از جهان آلوده به حرص و طمع افراطی و

بحران‌های سهمگین است. علاقمندی به اقتصاد اسلامی در دنیای غرب نیز ریشه در این دارد.

کتاب حاضر با هدف تحلیل عملکرد اقتصاد ایران از زاویه میزان پابندی، اجرا و تحقق مظاهر، مصادیق و راهبردهای مدنظر اقتصاد اسلامی در کشور که تبلور آن در قانون اساسی ج.ا. ایران است یا عبارت روشن‌تر جریان‌شناسی اقتصاد سیاسی برای دولت‌های بعد از انقلاب اسلامی از ابعاد پابندی به اقتصاد اسلامی متمرکز است. در واقع هدف، تبیین و تحلیل موشکافانه سه واژه به هم پیوسته یعنی نظریه و مکتب اقتصاد اسلامی، اقتصاد ایران و جریان‌شناسی اقتصادی دولت‌های منتخب مردم بعد از انقلاب اسلامی است.

مروری بر مکتب اقتصاد (سیاسی) دنیای غرب و رهیافت‌های اصلی آنها، تبیین نظریه اقتصاد اسلامی و تمرکز بر مصادیق و راهبردهای اقتصاد اسلامی متجلی در قانون اساسی ج.ا. ایران، مقایسه جهان‌شمولی و بنایی نظری رهیافت‌های اقتصادی متعارف با رهیافت اقتصاد اسلامی، معرفی معیارها و شاخص‌های اصلی و جداکننده رهیافت‌های مختلف از همدیگر و سرانجام تشریح و مقایسه عملکرد دولت‌های بعد از انقلاب اسلامی با میزان پابندی به نظریه‌های اقتصاد اسلامی براساس شاخصه‌ها و معیارهای اشاره شده و جهت‌گیری دولت‌های بعد از انقلاب اسلامی از منظر سیاست‌ها، شعارها، اهداف و عملکرد آنها کلیات کتاب حاضر را دربرمی‌گیرد. عنوان مدنظر برای کتاب، جریان‌شناسی اقتصادی ایران برای دولت‌های بعد از انقلاب اسلامی بوده، لیکن به دلیل قرابت این عنوان با نظام اقتصاد اسلامی و اقتصاد ایران که جزو منابع اصلی رشته اقتصاد اسلامی است، این عنوان مدتی شد تا بتواند به اساتید و دانشجویان عزیز در درک و تحلیل اقتصاد ایران از منظر نظریات اقتصاد اسلامی کمک نماید. با اذعان به نقدها و ضعف‌های مجموعه تهیه شده پیش‌رو و تلاش درجهت اصلاح و تقویت مطالب در ویرایش‌های بعدی انشاءاً، امید است این مجموعه گامی هر چند کوتاه درجهت تبیین شفاف عملکرد اقتصاد ایران در دولت‌های بعد از انقلاب از جهت حرکت در مسیر نظریه‌های اقتصاد اسلامی و پابندی به اصول و آموزه‌های اقتصاد اسلامی باشد.

مقدمه

با شکل‌گیری مکاتب اقتصادی از زمان نگاه مدون علمی به اقتصاد تاکنون، مکاتب و جریان‌های اقتصادی متعددی ظهور و بروز کرده و مورد مجادله و بحث در محافل علمی و بین سیاست‌گذاران بوده‌اند. برخی مکاتب استمرار و تداوم پیدا کرده و برخی به سرعت فراموش شده‌اند. مقابله و مجادله دو مکتب رایج و متعارف اقتصاد یعنی اقتصاد کلاسیک (لیبرالیسم) و اقتصاد سوسیالیسم، طی سده‌های گذشته شاید مهمترین جدال دو مکتب و جریان فکری اقتصادی قلمداد می‌گردد که فروپاشی و تجزیه کشور شوروی و شکست ایدئولوژی سوسیالیست به اتمام رسانید و بنا به عقیده برخی صاحب‌نظران غربی همچون فرانسیس فوکویاما با فروپاشی شوروی، شکست ایدئولوژی سوسیالیسم، تاریخ پایان پذیرفت و جهان تنها یک جریان و رهیافت غالب پیدا کرد. با این حال علیرغم سده‌های طولانی در جدال بین مکاتب اقتصادی، در دهه اخیر بحث ضعف و قوت‌های مکتب اقتصادی لیبرالیسم و ضرورت اصلاحات در این مکتب اقتصادی و یا گذر از این مکتب و ساخت یک رهیافت جدید همچنان مطرح است.

با پیروزی انقلاب اسلامی و با تصویب قانون اساسی، بحث انتخاب مکتب اقتصادی و اتکاء اقتصاد ایران به آموزه‌های دینی و تبعیت از اقتصاد اسلامی در بین مسئولان وقت و محافل علمی مطرح گردید. با این حال نظریه‌سازی و پیاده‌سازی اقتصاد اسلامی به عنوان مکتب حاکم و غالب بر اقتصاد ایران نیازمند بحث‌های علمی و کارشناسی بود و شاید تصویب قانون عملیات بانکداری بدون ربا در سال ۱۳۶۲ را می‌توان یکی از مهمترین مصادیق عینی هدایت اقتصاد ایران به سمت اهداف اقتصاد اسلامی دانست. با این حال پیچیدگی کار و لزوم مطالعات علمی و کارشناسی دقیق‌تر بویژه برای پیاده‌سازی و تحقق اهداف در سطح جامعه یکی از مسائل و چالش‌های مهم بعد انقلاب اسلامی بوده است. بدیهی است پیاده‌سازی مصادیق اقتصاد اسلامی در کشور و تحقق اهداف این رهیافت در اقتصاد ایران در زمره مباحث اقتصاد سیاسی است که نگرش واقع‌بینانه مبتنی بر تلفیق اقتصاد و سیاست را دربرمی

گیرد. باید اشاره نمود اقتصاد سیاسی یکی از مفاهیم پیچیده و مناقشه‌انگیز در علوم اجتماعی است که به تعامل سیاست و اقتصاد می‌پردازد و می‌توان گفت که بدون دولت و بازار، اقتصاد سیاسی وجود نخواهد داشت. همچنین از زوایه نگاه دیگر، اقتصاد سیاسی رابطه بین دولت و نیروهای اجتماعی را نیز دربرمی‌گیرد. از اینرو تحلیل و کنکاش در نظریه اقتصاد اسلامی و اقتصاد ایران را می‌توان در زمره مباحث اقتصاد سیاسی قلمداد کرد چراکه هدف اجرای راهبردها و سیاست‌های مدنظر نظریه‌های اقتصاد اسلامی در اقتصاد ایران توسط دولت‌ها و جریان‌های سیاسی است که نوعی تحلیل اقتصاد سیاسی می‌باشد.

کتاب حاضر با هدف تحلیل عملکرد اقتصاد ایران از زاویه میزان اجرا و تحقق مظاهری، مصادیق و راهبردهای مدنظر اقتصاد اسلامی در کشور یا بعبارت روشن‌تر جریان‌شناسی اقتصاد سیاسی برای دولت‌های بعد از انقلاب اسلامی متمرکز است. در واقع هدف، تبیین و تحلیل موشکافانه سه راه به هم پیوسته یعنی نظریه و مکتب اقتصاد اسلامی، اقتصاد ایران و جریان‌شناسی اقتصادی دولت‌های متناوب مردم بعد از انقلاب اسلامی است. برای این منظور باید این سه واژه بصورت شفاف تبیین شود. نظریه اقتصاد اسلامی ارائه مکتب اقتصادی مبتنی بر آموزه‌های دینی در مقابل مکاتب مبتنی و رایج در جهان می‌باشد. درضمن جریان‌شناسی بصورت خلاصه به معنای شناخت ماهی، خاستگاه فکری، سیاسی، اعتقادی دسته‌ای از افراد و گروه‌ها و به تعبیری دیگر شناخت منظره، گفت‌وگو، چگونگی شکل‌گیری، معرفی موسسان و چهره‌های فکری تأثیرگذار در عرصه‌های گوناگون است. بنابراین جریان‌شناسی اقتصادی به معنای شناخت نوع تفکر اقتصادی یک گروه یا دولت‌های روی کار آمده است و درک و برداشت از تفکر غالب در حوزه اقتصادی و در بین نخبگان و تصمیم‌گیرندگان را دربرمی‌گیرد. همچنین برای اینکه بتوان تصویری از عملکرد دولت‌های بعد از انقلاب از جهت پایداری و پیاده‌سازی نظریه‌های اقتصاد اسلامی ارائه داد، درکنار جریان‌شناسی اقتصادی، جریان‌شناسی سیاسی نیز مطرح می‌گردد که به معنای شناخت جریان سیاسی یا یک طیف گسترده فکری، اعتقادی، سیاسی و ایدئولوژیک است. به عبارت دیگر یک جریان سیاسی شامل چندین گروه، حزب، جناح و تشکل است که از نظر اعتقادی،

سیاسی، فکری، ایدئولوژی، اهداف و روشهای مبارزه سیاسی با هم دارای اشتراکاتی هستند و در جریان‌شناسی سیاسی هدف بر شناخت آنها متمرکز است (آذرابی، ۱۳۸۸، ص ۱۲). بنابراین در تحلیل عملکرد دولت‌های بعد از انقلاب اسلامی از زلویه میزان پابندی و اجرای نظریه‌های اقتصاد اسلامی بایست به نحوی جریان‌شناسی اقتصاد سیاسی صورت گیرد. در واقع در جریان‌شناسی اقتصاد سیاسی، هدف درک و شناخت از جریانی است که اقتصاد را با سیاست، نهادهای سیاسی و سیاستگذاری و نیز دولت پیوند می‌دهد و راهبر سیاست‌ها و تصمیمات کلان اقتصادی است. بویژه اینکه این موضوع عمدتاً در حیطه اقتصاد سیاسی هنجاری طبقه‌بندی می‌شود که در آن تضاد و تضارب منافع گروه‌های سیاسی و اجتماعی بر انتخاب اقدامات و سیاست‌های اتخاذشده اثرگذار است (قائم‌نیا و همکاران، ۱۳۹۰، ص ۲۵).

بنابراین در کتاب حاضر می‌تواند شد درک و شناخت مشخصی از جریان اقتصاد سیاسی دولت‌های بعد از انقلاب اسلامی و ظهور و بروز مظاهر و مصادیق اقتصاد اسلامی در اقتصاد ایران به تفکیک دولت‌های بعد انقلاب بعمل آید. بدین منظور در فصل اول سعی خواهد شد مفهوم و چیستی اقتصاد سیاسی و تفاوت مادی آن با اقتصاد و مکاتب اقتصادی تبیین شود و سپس به مهمترین مکاتب اقتصادی و رهیافت‌های اقتصاد سیاسی پرداخته شده و سیر تاریخی ظهور و تکوین و توسعه این رهیافت‌ها تشریح شود. در فصل دوم نیز سعی بر این است با توجه به اینکه مهمترین وجه تمایز بین مکاتب اقتصادی ایران در نگرش به نقش و حیطه وظایف و ماموریت دولت‌ها نهفته است، بصورت اجمالی به بحث شکل‌گیری دولت و تقسیم‌بندی‌های رایج آن در مکاتب و رهیافت‌های مختلف پرداخته شود. در ادامه نیز با توجه به مبانی نظری و تئوریک اشاره شده در فصل اول، مهمترین شاخصه‌های سه رهیافت و مکتب عمده یعنی مکتب اقتصاد سیاسی کلاسیک (لیبرال)، اقتصاد سیاسی مارکسیستی یا رادیکال و ناسیونالیسم اقتصادی یا رهیافت محافظه‌کارانه معرفی و بصورت خلاصه‌وار تبیین خواهند شد.

در فصل سوم با توجه به ماهیت انقلاب اسلامی ایران، به تبیین و تشریح نظریه اقتصاد اسلامی و اقتصاد سیاسی اسلام پرداخته خواهد شد. با وجود ویژگی‌های منحصر به فرد

اقتصاد سیاسی اسلام، این حوزه در عین حال قرائتی از اقتصاد متعارف است. لذا در فصل سوم ابتدا به پیش‌فرض‌ها و تعاریف موردنیاز و اصول حاکم اشاره می‌شود و سپس خصوصیات و شاخصه‌های اقتصاد اسلامی برشمرده خواهد شد و در پایان این فصل نیز مبانی اقتصادی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران تبیین می‌گردد.

در فصل چهارم نیز سعی خواهد شد با رویکرد جریان‌شناسی اقتصاد سیاسی، عملکرد دولت‌های بعد از انقلاب اسلامی در پایبندی به اهداف و شاخصه‌های اقتصاد اسلامی مستخرج شده در فصول قبلی بصورت موشکافانه ارزیابی و تحلیل شوند. همانگونه که اشاره شد، رهیافت اصلی اقتصاد (سیاسی) در جهان حاکم است و دولت‌های تشکیل شده نیز عمدتاً حول محور این سه طیف قابل ارزیابی هستند. لذا برپایه معیارها و شاخصه‌های اصلی سه رهیافت رایج در جهان در کنار رهیافت اقتصاد اسلامی، می‌توان تمایل، جهت‌گیری و سیاست‌های اتخاذشده دولت‌های پس از انقلاب اسلامی را نسبت به هریک از این مکاتب و جریان‌ها ارزیابی نمود.